

# بیداری اسلامی در کشاکش الگوپذیری از مدل حکومتی انقلاب اسلامی ایران و اسلام‌گرایی سکولار ترکیه

نورالدین اکبری کریم‌آبادی<sup>۱</sup>

## مقدمه

تاریخ معاصر جهان خصوصاً تحولات قرن بیستم سرشار از رویدادهای متعدد از جمله انقلاب‌ها، جنگ‌ها، منازعات ملی و بین‌المللی بوده است. برخی از این تحولات و حوادث، تبعات و پیامدهای بلندمدتی داشته‌اند و برخی نیز به فراموشی سپرده شده‌اند و امروزه دیگر نامی از آن‌ها نیست. شکل‌گیری جنبش بیداری اسلامی ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ از معدود رویدادهایی است که پیامدها و تحولات منبعث از آن تأثیرات بلندمدتی بر سمت و سوی تحولات بعدی و مسیر تاریخ داشته است. غلبه یافتن نظام اسلامی بر انواع توطئه‌ها و دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم نظام سلطه در طول بیش از سه دهه و همین‌طور نیل به موفقیت‌های بزرگی همچون تحقق مردم‌سالاری اسلامی، دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فنی ایران اسلامی اکنون موجب شده حتی برخی

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس



تحلیل گران غربی از آن به عنوان یک «مدل موفق» در منطقه خاورمیانه یاد کنند.<sup>۱</sup> آغاز قیام ملت‌های مسلمان منطقه در برابر ظلم، فساد، تحقیر، استبداد و وابستگی نظام‌های حاکم بر این کشورها، در اذهان جهانیان یادآور تحولات انقلاب اسلامی ایران و سقوط نظام پهلوی بود؛ به طوری که جمهوری اسلامی ایران، تحولات منطقه را ناشی از تأثیرات انقلاب اسلامی و رشد بیداری اسلامی می‌داند؛ اما کشورهای غربی و بسیاری از محافل لیبرال منطقه، با اطلاق «بهار عربی» این تحولات را ادامه موج‌های تاریخی لیبرال دموکراسی در سطح جهانی می‌دانند. تعبیر دیگری از این تحولات با توجه به تجربه دموکراسی در ترکیه وجود دارد.<sup>۲</sup> در واقع، به موازات دو دیدگاه انقلابی و لیبرالی، دیدگاه سومی نیز در سطح افکار نخبگان و افکار عمومی کشورهای عربی (به‌ویژه کشورهای که با خیزش‌های مردمی روبه‌رو شده‌اند) به صورت جدی مطرح شده است که چون کشورهایی مانند تونس، مصر، لیبی، یمن و... کشورهای مسلمان با اکثریت اهل سنت هستند به سمت اتخاذ الگوی ترکیه حرکت می‌کنند؛ زیرا ترکیه جامعه‌ای مسلمان با محوریت اهل سنت بود که توانسته است موفقیت‌هایی را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تجربه کند. به عبارتی دیگر، این‌گونه استدلال شد که گروه‌های اسلام‌گرای کشورهای عربی که نگاه اخوان المسلمینی به مسائل سیاسی را دارند، الگوی ترکیه را بر هر مدل و الگوی دیگری ترجیح خواهند داد.<sup>۳</sup> اما این مدل با

۱. می‌سون تیری، گفت‌وگو با متفکر فرانسوی، اسلام‌تایمز، ۲۷ شهریور ۱۳۹۰:

<http://www.islamtimes.org/vdcb9sb9.rhb9gpiuur.html>

۲. البته مدل دیگری از طرف عربستان مطرح شده است؛ این مدل که در حقیقت نماینده اندیشه سلفی و محافظه‌کار در منطقه است، بیش از اینکه مدلی فعال برای سایر کشورهای منطقه باشد، مدلی انفعالی و بنیادگرایانه است که می‌تواند طیفی حداکثری و حداقلی داشته باشد. تلاش برای حفظ وضع موجود با اتکال به قدرت مالی عربستان و ایدئولوژی سلفیه، جنبه حداقلی آن و ایجاد حکومتی مبتنی بر شریعت جنبه حداکثری آن است. ماهیت رفتاری دولت عربستان و گروه‌های طرفدار آن در منطقه بیانگر شیوه‌های محافظتی و اقدامات ژئوپلیتیک محور منطقه می‌باشد.

هر چند پایگاه این اندیشه، اندیشه سلفی اعم از شکل قدیمی یا مدرن آن امروز توانسته در انتخابات مصر حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد آرا را کسب کند و در سوریه نیز نمایندگانی از همین دست در حال خودنمایی هستند و حتی در کشورهای مثل لیبی نیز سلفی‌ها توانسته‌اند عرض اندام کنند، اما این مدل نه مورد استقبال روشنفکری جهان عرب است و نه جوانان عرب که امروز میدان‌دار واقعیات صحنه هستند روی خوشی به آن نشان می‌دهند و نه علایق کشورهای نقش‌آفرین و مداخله‌گر جهانی و منطقه‌ای همسوی آن است.

۳. از طرفی، اکثریت مردم مسلمان جهان که مخالف سلطه‌پذیری و وابستگی کشورهایشان به غرب و صهیونیست‌ها هستند، الگوی اسلامی جمهوری اسلامی را بهترین الگو و نوع حکومت، برای حکومت‌های جدیدشان می‌دانند. واقعیت این است که پس از موج جدید بیداری اسلامی در جهان عرب، غربی‌ها و صهیونیست‌ها به شدت به ترویج و تبلیغ الگوی اسلام ترکیه به جای الگوی مدل اسلام جمهوری اسلامی در کشورهای انقلابی در جهان عرب پرداختند. اگرچه نتایج انتخابات در این کشورها نشان داد که مردم این کشورها به الگوی اسلامی جمهوری اسلامی که استکبارستیز و ضد وابستگی است، رغبت و توجه بیشتری نشان می‌دهند.

محدودیت‌ها و موانع و چالش‌هایی روبه‌رو شده است؛ به طوری که اکنون سخن از نابودی و از بین رفتن این مدل است. لذا سؤال اصلی که این نوشتار قصد بررسی و تحلیل آن را دارد این است که چرا مدل و الگوی برآمده از انقلاب اسلامی ایران، در خاورمیانه باقی است و به‌رغم تمام تلاش‌ها برای ضربه‌زدن به آن، همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد. اما مدل اسلام‌گرایی لیبرال ترک‌ها این قدر زود به ذلت افتاد و در حال رنگ باختن و از بین رفتن است؟ روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی بر مبنای روش کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها، منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسنادی می‌باشد.

### ویژگی‌های الگوی حکومتی انقلاب اسلامی ایران

پیدایش انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی، «معجزه الهی»، «بزرگترین تحول قرن»، «عامل حیرت و تعجب نظریه پردازان»، «زلزله چالش‌ساز قدرت‌های جهانی»، «انفجار نور»، «مایه امید و رهایی ملت‌ها»، «نویدبخش معنویت و عدالت‌خواهی»، «زمینه‌ساز حکومت جهانی مهدی (عج)» قلمداد گردید که در شرایط دنیای دین‌گریز غرب و رهیافت‌های سکولار و نیز حاکمیت تفکرات دین‌ستیز کمونیستی شرق، «انقلابی دینی» با بهره‌گیری از مکتب حیات‌بخش اسلام اهل بیت، با سه دهه حیات پر برکت خود، شگفتی‌ساز شد.

در طول سه دهه گذشته، انقلاب اسلامی به دلیل خصلت فرهنگی تأثیرگذار آن و قدرت الهام‌بخشی، مورد توجه دوستان و دشمنان بی‌شماری شد. بشریت وامانده و ناکام از وعده‌های نظام‌های حاکم بر شرق و غرب، که وعده عدالت و آزادی را به جهانیان داده بودند، گم‌شده خود را در «بیداری اسلامی» و «منشور رحمانی دین مبین اسلام» پیدا کرد و بدین لحاظ عمق استراتژیک انقلاب اسلامی در اقصی نقاط جهان گسترش یافت. در جبهه مقابل، انقلاب اسلامی و اندیشه‌های برخاسته از تفکرات امام خمینی (ره) که قدرت‌های جهانی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته بود، در صدد مهار، مقابله و براندازی آن برآمدند، که به‌رغم تلاش‌های مذبح‌خانه نظام سلطه‌گر، انقلاب اسلامی در سه دهه تهدید گذشته، راست‌قامت و پایدار مانده است.

انقلاب اسلامی که بر نظم دینی خاصی مبتنی است، به عنوان یک نظام الگویی، در نظام کنونی جمهوری اسلامی متبلور شده است؛ در واقع گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی ایران که مبتنی بر شکل‌گیری نظام سیاسی بر محور دین اسلام و مشارکت مردم (مردم‌سالاری دینی) است، ظرفیتی بالقوه برای نظام الگویی انقلاب اسلامی ایران





آغاز قیام ملت‌های مسلمان منطقه در برابر ظلم، فساد، تحقیر، استبداد و وابستگی نظام‌های حاکم بر این کشورها، در اذهان جهانیان یادآور تحولات انقلاب اسلامی ایران و سقوط نظام پهلوی بود

محسوب می‌شود. گفتمان اسلامی - مردمی انقلاب اسلامی ایران بر محور سه اصل کلی است که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. **دین‌محوری همه‌جانبه:** منظور از دین‌محوری همه‌جانبه، شکل‌گیری حکومتی اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی در همه جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است. اصل اساسی در جمهوری

اسلامی ایران که منبث از انقلاب اسلامی می‌باشد، حاکمیت الهی است. این اصل، زیربنای تشکیل حکومت اسلامی است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران نظامی است که بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او بنا شده است. پس در این نظام، قدرت و حاکمیت در «الله» خلاصه شده است.<sup>۱</sup> به طور کلی، در نظم سیاسی اسلامی که هدف انقلاب اسلامی است و در جمهوری اسلامی ایران نمود پیدا کرده، دین، محور همه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... به شمار می‌رود.

۲. **عدالت‌محوری در سطح نظام داخلی:** اجرای عدالت و تمایل به عدالت‌خواهی در تمام شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظام در جه موفقیت انقلاب را تعیین خواهد کرد. انقلاب‌های گذشته در تاریخ از انقلاب فرانسه گرفته تا انقلاب روسیه و چین بر محور انتقال قدرت بوده است؛ گرچه در حاشیه کوشش کرده‌اند عدالت اجتماعی و به‌ویژه عدالت اقتصادی را استوار سازند. انقلاب اسلامی ایران و رهبر آن حضرت امام خمینی (ره) از آغاز انقلاب، هدف انقلاب را اهداف مادی ندانستند بلکه برقراری و استقرار احکام اسلامی مبنی بر عدالت را نقطه تمایز نظام استکبار با نظام انقلابی و اسلامی دانستند.<sup>۲</sup> مفاهیم «مستضعفین» و «مستکبرین»، سلطه‌زدایی و سلطه‌گرایی موقعی اهمیت پیدا می‌کند که ما مفهوم عدالت را وارد معادلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود بکنیم.

الگوی حکومت دینی انقلاب اسلامی ایران، عدالت را در دو سطح داخلی و بین‌المللی، مطرح نظر خویش قرار داده است. در سطح داخلی به عدالت و برابری افراد در نظام مقدس اسلامی تأکید شده است. نمود این برابری را می‌توان در اصل حاکمیت مردمی

۱. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت و نهادهای سیاسی، میزان، تهران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵-۳.  
۲. حمید مولانا، «ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران و ۳۰ سال آینده»، کیهان، ش ۱۹۲۹۶، ۱۷/۱۱/۸۷، ص ۱۶.



نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. طبق قانون اساسی، حاکمیت مردم، موهبت الهی است که هیچ کس حق سلب آن را ندارد. پس سلب حاکمیت، عملی غاصبانه است که همواره باید در مقابل آن ایستاد. همچنین هیچ کس حق انتقال حاکمیت مردم را به فرد یا گروهی خاص ندارد. بر این اساس، همه افرادی که مدیریت سیاسی جامعه را بر عهده دارند، تنها از طریق انتخابات سالم و صحیح، مشروعیت در اعمال قدرت از طرف مردم را خواهند داشت.<sup>۱</sup>

**۳. عدالت محوری در سطح نظام بین الملل:** جایگاه عدالت بین المللی در اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متبلور شده است. این رویکرد عدالت محور، حاکی از نفی سلطه و استکبارستیزی انقلاب اسلامی ایران است. اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارت اند از:

۱. سعادت انسان در کل جامعه بشری؛
۲. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلامی؛
۳. حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران؛
۴. خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر و نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی؛
۵. اتحاد و ائتلاف ملت های اسلامی و وحدت جهان اسلام و تعهد برادرانه در برابر همه مسلمانان جهان؛

۶. عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و جلوگیری از نفوذ اجانب؛
  ۷. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛
  ۸. استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۲</sup>
- اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز عبارت اند از:
۱. برقراری و توسعه روابط با سایر کشورها؛
  ۲. ایجاد وحدت بین ملت های مسلمان جهان و افشای ماهیت استکبار جهانی؛
  ۳. حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛
  ۴. دفاع از سرزمین ها و منافع مسلمین؛<sup>۳</sup>

قانون اساسی جمهوری اسلامی، بیشترین توجه و اهمیت را به تحقق اهداف بین المللی و خارجی نظام داده است. از جمله این اهداف، رسالت جهانی انقلاب اسلامی و صدور

۱. سید محمد هاشمی، همان، ص ۷-۵.

۲. بیژن ایزدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بوستان کتاب قم، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴-۱۳۱.

۳. همان، ص ۱۵۹.

انقلاب به دیگر نقاط جهان است. هدف دیگر، حرکت برای پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران است.<sup>۱</sup>

اگر زمینه‌های شکل‌گیری جنبش‌های اخیر را در دو اصل سلطه‌ستیزی در مقابل قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و شکل‌گیری حکومت‌های مبتنی بر عدالت و دین خلاصه کنیم، به رابطه هم‌پوشانی و الگوگیری گفتمان اسلامی مردمی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های اخیر پی می‌بریم. این موضوع فرصت و ظرفیتی مناسب برای انقلاب اسلامی ایران، در راستای تأثیرگذاری و الگودهی به جنبش‌های اخیر به شمار می‌رود.

از آنجا که رهبر و زعیم حرکت و انقلاب اسلامی در ایران، فردی روحانی و عالم و آگاه به اسلام و باورهای آن بود، لذا نظام جمهوری اسلامی بر اساس باورهای اصیل اسلامی نضج گرفته و بارور شده است. این نظام واجد ویژگی‌هایی است که آن را متفاوت از مدل اسلام ترکیه می‌کند. برخی ویژگی‌های مهم آن بدین شرح است:

**۱. اسلام حقیقی و ناب:** خاستگاه مدل انقلاب اسلامی، اسلام ناب و اصیل است و قوانین و احکام حکومتی آن برخاسته از اسلام ناب محمدی است. در این مدل، حاکم اسلامی نمی‌تواند بنا بر منفعت و مصلحت‌اندیشی فرد، گروه و منطقه و... از کنار معضلات جهان اسلام به سادگی عبور کند. به همین دلیل است که جمهوری اسلامی ایران همواره حمایت از مستضعفان و مسلمین در بند جهان را جزو اصول راهبردی خود دانسته و در برابر مشکلات و مسائل جهان اسلام، خود را مسئول می‌داند. در باورهای انقلاب اسلامی، آزادی‌ها نامحدود نیست و حدود آن را اسلام تعیین کرده است. در این الگو، حتی حفظ ظواهر و شعائر اسلامی بر همگان واجب بوده و تمام مردم جامعه بایستی آن را رعایت کنند. در مدل ایرانی، سیاست و حکومت‌داری عین دین است.

**۲. ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی و استکبارستیزی:** یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی، حفظ استقلال و نفی کامل سلطه بیگانگان بر سرنوشت ملت ایران است. انقلاب اسلامی با ماهیت مستقل و ضداستبدادی، فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری موجب برهم‌زدن تعادل بلوک‌های قدرت جهانی و به چالش کشیدن نظم بین‌المللی گردید. این انقلاب با شعار نفی سلطه شرق و غرب خواستار آزادی ملت ایران از نفوذ و دخالت قدرت‌های خارجی شد. بی‌تردید در انقلاب اسلامی توکل به خداوند، منشأ استقلال به شمار می‌رود.

۱. حمید مولانا و منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد، دادگستر، تهران.

جمهوری اسلامی ایران، تحولات منطقه را ناشی از تأثیرات انقلاب اسلامی و رشد بیداری اسلامی می‌داند؛ اما کشورهای غربی و بسیاری از محافل لیبرال منطقه، با اطلاق «بهار عربی» این تحولات را ادامه موج‌های تاریخی لیبرال دموکراسی در سطح جهانی می‌دانند

انقلاب اسلامی همزمان به مبارزه در دو جبهه استبدادستیزی و استعمارستیزی و نفی وابستگی پرداخت و همین امر موجب شد که فرهنگ استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی در سطوح مختلف مردم، دولت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش راه یابد؛ چراکه اساساً الگوی نظام سیاسی جمهوری اسلامی با دو الگوی رایج لیبرالیستی و سوسیالیستی مقابله می‌کرد و مبنای سکولاریستی، اومانیستی و ماتریالیستی

را به چالش می‌کشید. بنابراین یکی از اصول و سیاست‌های اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که بر خاسته از باورهای اصیل اسلام است، استکبارستیزی اسلام‌الگوی ایران است. بر مبنای این اعتقاد، دولتمردان ایرانی بایستی منافع جهان اسلام و مردم مسلمان را چون منافع کشور ایران در کلیه مراودات بین‌المللی مدنظر داشته باشند. در اینجا بحث منفعت‌طلبی فردی، حزبی، کشور و... نیست. حمایت از جنبش‌ها و حرکت‌های ضد استکباری و اسلام‌گرایانه سایر ملل مسلمان و حتی غیرمسلمان، جزئی از وظایف دولتمردان جمهوری اسلامی است. اسلام مدل انقلاب اسلامی سازشکار نیست. مصلحت‌اندیشی سبب نمی‌شود که حاکمان کشورمان در اصول، باورها و آرمان‌های دینی خود در برابر زورگویان و مستکبران کوتاه بیایند. استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان و محرومان جهان به‌ویژه مسلمانان از اصول راهبردی جمهوری اسلامی بوده و هست. لذا گفتمان انقلاب اسلامی بر پایه ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و عدالت‌خواهی، نظم موجود بین‌المللی را نه تنها مطلوب نیافته، بلکه آن را به زیان جامعه بشریت می‌داند که انسان‌ها را از معنویات دور و تنها غرق در مادیات کرده است. از طرفی انقلاب اسلامی در ابعاد فرآیندی، ساختاری، هنجاری و نهادی، نظم موجود را بر خلاف اصول و مفروضات گفتمانی خود می‌بیند و به همین دلیل آن را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. ویژگی‌های خاص غیرمادی انقلاب اسلامی ایران که ریشه در ارزش‌های انقلابی و اسلامی دارد، چنان که پس از گذشت بیش از سی سال، انقلاب را محفوظ نگه داشته است از یک سو، و ارزش‌های متفاوت مطلوب سیستم وضع موجود (بر پایه مفاهیم لیبرالی که توسط قدرت هژمون بسط و اشاعه داده می‌شود) از سوی دیگر، به تعارضات ارزشی، اصولی و هویتی بین دو نظام فکری منجر شده است. بنابراین، گفتمان انقلاب



اسلامی توانسته است این چالش‌ها را که هیمنه قدرت‌ها و به‌ویژه امریکا و نظم لیبرال را در چشم ملت‌ها می‌شکند و با سؤالات و تردیدهایی مواجه می‌سازد، بر جسته‌سازی کند. در گام بعدی (هم‌اکنون) پیاده‌سازی الگوی مدنظر گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه جهانی در دستور کار قرار دارد.

**۳. فرهنگ‌سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام:** انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی، در صدد برآمد تا میان ملت‌های مسلمان وحدت ایجاد کند و از سویی پروژه امت‌سازی را عملی نماید. این نگره، بر مبارزه‌ای منفی علیه دشمن مشترک و مبارزه با استکبار نیز تکیه داشت. در این راستا، احیای امت اسلامی بر پایه قرآن و حدیث، موجب توجه به همگرایی جهان اسلام شد و از سویی نیز سبب افزایش نقش دین گردید که بی‌شک اصلی اساسی در مدیریت تحولات جهانی به شمار می‌رود.

### پایداری و استمرار الگوی انقلاب اسلامی

عواملی که با وجود دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های دشمنان انقلاب سبب تداوم پیروزی انقلاب اسلامی شده را باید در ویژگی‌های خاص انقلاب اسلامی ایران جست‌وجو نمود که عمده‌ترین آن‌ها از این قرار است:

**۱. اسلامی بودن انقلاب و تکیه بر مذهب:** تکیه بر ارزش‌های دینی و پی‌اندازی حکومتی برخاسته از متن دین و سازگار با آرمانی‌ترین اهداف و انتظارات بشر از اساسی‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی است که عامل اصلی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. مرحوم امام فرمودند:

اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین درجه تأمین می‌کند و قدرت آن را دارد که قلم سرخ به ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند.<sup>۱</sup>

بنابراین انقلاب اسلامی تا وقتی در خط صحیح اسلام ناب با دقت حرکت کند و مردم روحیه دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی را زنده نگه دارند هیچ قدرتی نمی‌تواند نظام جمهوری اسلامی را از حرکت به سمت هدف‌های خود باز دارد. از جلوه‌های اسلامی بودن انقلاب اسلامی این است که مشروعیت حکومت برخاسته از

۱. صحیفه/امام، ج ۲۱، ص ۴۰۲.



اراده خداوند است، «زیرا اساساً هیچ‌گونه ولایتی جز با انتساب به اذن الهی، مشروعیت نمی‌یابد هر چند همراه با مقبولیت باشد.»<sup>۱</sup>

و این مشروعیت الهی حکومت، حقانیت حکومت و حاکم اسلامی را در گرو پابندی به موازین اسلامی قرار می‌دهد و نه خواست مردم؛ هر چند حکومت اسلامی برای تحقق عینی و فعلیت بخشیدن به احکام دینی پذیرش مردم را لازم دارد و باید اسباب و عوامل رضایت مشروع مردم را فراهم کند. بنابراین پیروزی انقلاب اسلامی پابرجاست چون مشروعیت حکومت از ناحیه خداوند است و این مشروعیت تا زمانی که پابندی به موازین اسلامی و الهی باقی باشد، پابرجاست.

**۲. مردمی بودن انقلاب:** از خصوصیات انقلاب اسلامی ایران این است که با خواست و اراده مردم همراه است. «قیام جمعیتی بزرگ و یکدل و یک جان با حرکتی پر تلاش و هدفدار و هماهنگ روی خط رهبری مکتبی در اوج پاکی و صفا و ایثار، ذوب شده در اسلام و رهبر، یکی از خصائص ممتاز انقلاب اسلامی است که تاریخ آن را کمتر به خود دیده است.»<sup>۲</sup> مقام معظم رهبری فرمودند:

انقلاب اسلامی دو خصوصیت استثنایی داشت؛ یک خصوصیت اینکه مبنای این انقلاب ارزش‌های دینی و اخلاقی و معنوی بود و خصوصیت دیگر این بود که انقلاب بر پایه اراده و خواست مردم در تشکیل و اداره حکومت باقی ماند.<sup>۳</sup>

**۳. رهبری صادقانه و حکیمانه:** بی‌شک صداقت، صراحت، شجاعت، سازش‌ناپذیری، از جان‌گذشتگی، صلابت و قاطعیت، عشق به اسلام، مقام عرفانی، وارستگی، شخصیت والای علمی و فقهاتی و سادگی معنی‌دار زندگی امام در ارائه الگوی رهبری مؤثر بوده است ولی آنچه مهم‌تر از این شاخص‌های برجسته، امام را به عنوان اسوه قرار داده و به وی نقشی برتر از یک رهبر انقلاب بخشیده این است که به تعبیر شهید مطهری (ره):

ندای امام از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح این ملت برمی‌خاست، مردمی که در طول چهارده قرن حماسه محمد (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام)، زهرا (سلام الله علیها)، حسن (علیه السلام)، حسین (علیه السلام)، زینب (سلام الله علیها)، سلمان و ابوذر... و صدها هزار شخصیت اسلامی دیگر را شنیده بود بار دیگر همان ندای

۱. محمدتقی مصباح یزدی، نقد، ش ۷، ص ۱۶۸.

۲. عباسعلی عمید زنجانی، گزیده/انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، طوبی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۸.

۳. حدیث ولایت، ج ۳، ص ۲۵۰-۲۴۹.



آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند او را آئینه تمام‌نمای فرهنگ و هویت اسلامی خود که تحقیر شده بود دیدند.<sup>۱</sup>

رهبری انقلاب اسلامی در چارچوب ولایت فقیه که تداوم امامت است از عوامل مهم پیروزی و تداوم موفقیت انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری فرمودند: اصل ولایت فقیه و پیوستن همه راه‌های اصلی نظام به مرکز ولایت، نقطه درخشان نظام اسلامی است. این اصل همان ذخیره پایان‌ناپذیری است که باید مشکلات نظام جمهوری اسلامی را در حساس‌ترین لحظات و خطرناک‌ترین گردنه‌های مسیر پرخطر جمهوری اسلامی حل کند و گره‌های ناگشودنی را بگشاید.<sup>۲</sup>

یک انقلاب در حد کمال مطلوب سه رکن اساسی دارد که عبارت است از برخورداری از یک ایدئولوژی و مکتب پویا و انقلابی و مشارکت گسترده و فعالانه و ایثارگرانه مردم از همه طبقات و ظهور و نهادینه شدن رهبری مورد قبول عموم مردم با ویژگی‌های شخصی همچون نبوغ، اقتدار، صلابت و جسارت در تصمیم‌گیری؛ و انقلاب اسلامی در هر سه رکن از تمامیت و عظمت بی‌نظیری برخوردار بوده است. حفظ ویژگی‌های این سه رکن اساسی اقتدار نظام و انقلاب می‌تواند هم‌چنان موجب تداوم و توسعه آن گردد و هر نوع آسیبی که به این سه رکن وارد آید موجبات زوال تدریجی و انحطاط انقلاب را فراهم خواهد کرد.<sup>۳</sup>

به طور کلی می‌توان تحلیل کرد که آنچه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی و الگوی حکومتی آن را بر تحولات جهان اسلام بیشتر کرده، تمایزات انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ، از جمله روسیه، فرانسه و... است. انقلاب اسلامی ایران برخلاف انقلاب‌های دیگر، فراگیرتر (باحضور مردم و طبقات مختلف) و بر مبنای معنویات و ارزش‌های انسان‌هاست؛ ارزش‌هایی که در انقلاب‌های مادی‌گرا همچون کمونیست روسیه و لیبرالیست فرانسه وجود ندارد.<sup>۴</sup> همین جذابیت‌ها و تفاوت‌ها توانسته است تحولات خاورمیانه و جهان اسلام را تا حدود زیادی متأثر سازد و تداوم آن را تضمین کند. «حامد

۱. مرتضی مطهری، *پیرامون انقلاب اسلامی*، صدر، ۱۳۶۸، ص ۱۱۹.

۲. حدیث ولایت، همان، ص ۱۳۶.

۳. منوچهر محمدی، *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها*، معارف، ۱۳۸۰، ص ۲۸۲.

۴. محمدباقر حشمت‌زاده، *تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

الگار «انقلاب اسلامی ایران را چنین تحلیل می کند:

انقلاب اسلامی ایران برعکس همه انقلاب‌ها تداوم و توالی بخش مهمی از میراث اسلامی است. به یک معنی آغاز این میراث به قرن هفتم میلادی و گشوده شدن ایران بر روی اسلام بر می گردد و یکی از عوامل مهمی که انقلاب اسلامی ایران را از تمامی انقلاب‌های دگرگون ساز دیگر متمایز می سازد همین ریشه‌های عمیقی است که این انقلاب در گذشته تاریخی دارد. امروز می بینیم که به اعتقاد صاحب نظران آنچه فرهنگ غربی را مورد تهدید قرار می دهد همین سکولاریسم است که ملهم از انقلاب فرانسه می باشد و امروزه تنها راه نجات و رهایی از این بحران را در احیای عنصر مذهب می دانند.<sup>۱</sup>

### الگوی حکومتی اسلام لیبرال در ترکیه

انقلاب اسلامی در ایران به دلیل ویژگی‌ها و مشخصات ضداستعماری و استکبارستیزی که داشت، از همان ابتدای پیروزی مورد مخالفت و دشمنی مستکبران شرق و غرب قرار گرفت و آنان از الگو شدن انقلاب اسلامی ایران برای دیگر مردم مسلمان جهان به شدت وحشت داشتند. لذا از همان روزها، با طراحی توطئه‌های مختلف از جمله، برپایی جنگ‌های داخلی و خارجی، ترور، تحریم و... علیه ایران سعی کردند انقلاب اسلامی ایران را در چشم جهانیان ناکارآمد جلوه دهند. اما پیروزی‌های ایران در عرصه‌های مختلف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پیشرفت‌های بزرگ علمی و تکنولوژی و از سویی، تأثیر معنوی انقلاب اسلامی بر مبارزان مسلمان در فلسطین، لبنان و عراق و... و استقلال و عدم وابستگی آن ثابت کرد که الگوی اسلامی ایران، بهترین الگو برای دموکراسی و حکومت‌داری در عصر جدید است. بیداری اسلامی اخیر مردم مسلمان در کشورهای عربی، به خوبی تأثیر انقلاب اسلامی در حرکت و جنبش‌های آنان را برای رهایی از وابستگی و استقلال و آزادی به اثبات رساند و همین موضوع سبب شد که غربی‌ها در فکر راه چاره برآیند و به زعم خود الگویی جایگزین را مقابل الگوی اسلامی ایران علم کنند. این الگوی جدید، الگوی اسلام ترکیه بود. در تبلیغات غربی‌ها مدل اسلامی ترکیه معطوف به نوعی اسلام معتدل و منطقی است که بعد از سفر عبدالله گل و رجب طیب اردوغان به منطقه به نوعی مورد تأکید واقع شد و از سوی کشورهای غربی و حامیان

۱. همان، ص ۲۳۸.



منطقه‌ای سعی شد تا مدل ترکیه به عنوان بهترین مدل ترویج شود. به طوری که بعد از سفر گل به مصر، طنطاوی از تجربه حکومتی ترکیه به عنوان خوشایندترین مدل برای مصر نام برد و افرادی همچون طارق رمضان محقق مصری و نواده حسن البنا از مدل ترکیه به عنوان مدل جایگزین در کشورهای عربی نام بردند.<sup>۱</sup> در خارج از منطقه نیز وزیر امور خارجه امریکا این ایده را مطرح کرد که ترکیه از نظر ارتباط با دموکراسی و توسعه اقتصادی باید سرمشق سایر کشورهای عربی قرار گیرد.

در این که این مدل چقدر می‌تواند در کشورهای عربی بعد از جنبش‌های اجتماعی قابل الگوبرداری باشد موافقین و مخالفین هر کدام استدلال‌های خاص خویش را دارند. برخی با استناد به نظرسنجی‌های صورت گرفته توسط مراکز علمی و تحقیقاتی همچون BILGESAM و IBOPE و TESEV معتقدند ترکیه می‌تواند نقش ویژه‌ای در خاورمیانه بازی کند. این نظرسنجی‌ها یک روند افزایشی در نقش منطقه‌ای ترکیه را به نمایش می‌گذارد؛<sup>۲</sup> به طوری که نظرسنجی TESEV دلایل توجه به مدل ترکیه را در مؤلفه‌هایی همچون پیش زمینه اسلامی، قدرت اقتصادی، حکومت دموکراتیک و نقش آفرینی‌های منطقه‌ای آن می‌داند. دلایل موافقین در سه محور قابل طرح است:

۱. انطباق اسلام و سکولاریسم

۲. بنیان اقتصاد لیبرالی و موفق به همراه یک جامعه تجاری مستقل که توانسته نفوذ این کشور را در منطقه تعمیق بخشد.

۱. به عنوان مثال، راشد الغنوشی، رهبر حزب نهضت، مهم‌ترین حزب اسلامی در تونس، این حزب را ادامه‌دهنده راه حزب عدالت و توسعه ترکیه می‌داند و با توجه به موفق بودن الگوی ترکیه برای تونس، به مشابه بودن شرایط این دو کشور اشاره کرده و افزوده است که ترکیه در قرن نوزدهم در راستای هماهنگی اسلام و مدرنیسم یک دوره اصلاحات پشت سر گذاشته و تونس نیز در همان دوران روند مشابهی را طی کرده است. سفر الغنوشی به آنکارا نیز نشان‌دهنده جایگاه خاص ترکیه نزد این رهبر تونسی است. این امر درباره مصر نیز صادق است. روزنامه‌زمان، چاپ استانبول از قول جمال ناصر، یک سخنگوی اخوان المسلمین مصر، نوشت:

اخوان المسلمین تلاش کرده است که ترکیه را از جنبه‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک، جایگزین خلاق‌تری سازد که به واسطه انقلاب‌های عربی و جابه‌جایی حکومت‌ها در منطقه ایجاد شده است.

پیش از این انقلاب‌ها نیز، باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا در سفر خود به مصر از مدل ترکیه به عنوان مدلی میانه‌رو برای جهان اسلام و خاورمیانه سخن گفته بود. اما این انقلاب‌های عربی باعث شد که این رویکرد پررنگ‌تر شود. وقتی خیزش مردمی در کشورهای عربی به خصوص در تونس و مصر ایجاد شد، برای غربی‌ها در ابتدا سخت بود که به سادگی جابه‌جایی قدرت در منطقه و رژیم‌های دوست مثل رژیم مبارک در مصر را بپذیرند، ولی در نهایت تلاش کردند که با روش‌ها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های ایدئولوژیک خود یا مدلی‌هایی مثل ترکیه که به آن‌ها نزدیک‌ترند به گونه‌ای این انقلاب‌ها را مدیریت کنند. (زک: کیهان برزگر، «بررسی روابط ایران و ترکیه در تحولات جهان عرب»، مرکز مطالعات خاورمیانه، ۱۳۹۰/۱۲/۲۰)

۲. سید جواد صالحی، امکان سنجی اجرای مدل ترکیه در کشورهای خاورمیانه، ۱۳۹۱/۱/۵.

پیدایش انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی، «معجزه الهی»، «زلزله چالش ساز قدرت‌های جهانی»، «مایه امید و رهایی ملت‌ها»، «نوید بخش معنویت و عدالت خواهی»، «زمینه ساز حکومت جهانی مهدی (عج)» قلمداد گردید که در شرایط دنیای دین گریز غرب و رهیافت‌های سکولار و نیز حاکمیت تفکرات دین ستیز کمونیستی شرق، «انقلابی دینی» با بهره گیری از مکتب حیات بخش اسلام اهل بیت، با سه دهه حیات پر برکت خود، شگفتی ساز شد

۳. استحکام رابطه با غرب  
از طرف دیگر دلایل مخالفین مدل جانشین ترکیه برای کشورهایی که بیداری اسلامی را تجربه نموده‌اند به عوامل زیر برمی گردد:  
۱. اعتقاد به این مسئله که ترکیه یک کشور اصیل اسلامی نیست که بتوان آن را برای جهان عرب مورد اتکا قرار داد.  
۲. تمایز هویتی: عده دیگری بر تفارق زبانی ترکیه و جهان عرب تأکید می کنند.  
۳. دسته‌ای دیگر این مسئله را مطرح کردند که ترکیه به دلیل رابطه با جهان غرب نمی تواند الگوی مناسبی برای منطقه باشد.  
واقعیت این است که اسلام مدل ترکیه به رغم

برخی انتقاداتی که غربی‌ها و صهیونیست‌ها ظاهراً بر آن دارند، از منظر آنان، بهترین گزینه برای انقلاب‌های مردمی به ثمر رسیده در کشورهای عربی‌ای است که خواهان برقراری حکومتی با قوانین و احکام اسلام هستند؛ اسلامی که کمترین چالش‌های ممکن را برای غربی‌ها و صهیونیست‌ها داشته باشد. خاستگاه اسلام الگوی ترکیه، خاستگاه لیبرال مآب است که برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن بدین گونه است:

۱. اسلام سکولار: در اسلام حکومتی لیبرال الگوی ترکیه، بسیاری از ارزش‌ها و باورها و اعتقادات غرب پذیرفته شده است و دیدگاه لیبرال مسلکی دارد که مورد قبول دولت مردان اسلام‌گرای آن می باشد. در این مدل اسلام‌گرایی، شما در عین مسلمان بودن از آزادی‌هایی همچون آزادی‌های رایج در غرب برخوردارید. در این الگو نوعی اسلام سکولار و لائیک مدنظر دولت مردان اسلام‌گرای ترک وجود دارد که بیش از آن که احکام و قوانین اسلام بر روش حکومتی آنان جاری باشد، قوانین و ارزش‌های غرب بر آن جاری و ساری است. اسلام مورد نظر حزب عدالت و توسعه، اسلامی تعدیل شده است؛ بدین معنا که مبارزه جای خود را به گفت و گو و تعامل داده، انقلاب در مفهوم اصلاح استحاله شده، مقاومت به رنگ مذاکره درآمده، احکام اسلام رنگ عرف و زمان به خود گرفته و سکولار شده و فهم بشری و عقل‌ابزاری جایی بزرگ برای خود در کنار فهم دینی یافته‌اند.





۲. اسلام سازشکار و منفعت طلب: اسلام لیبرال مسلک مورد نظر دولت مردان اسلام گرای ترکیه، اسلامی سازش کار و منفعت طلب است که اهل مبارزه با استکبار و قدرت های زورگو نیست؛ گرچه شاید علی الظاهر با برخی از اقدامات دولت مردان دول زورگو و مستکبر غرب و صهیونیست هم هر از گاه مخالف باشد، اما این مخالفت ها بیشتر یک ژست سیاسی برای بهره برداری های سیاسی دولت مردان ترک در جهان اسلام و نوعی عوام فریبی است. اسلام الگوی ترکیه، اسلامی متضاد با آرمان گرایی اسلامی است و بیشتر اهل زد و بند و برخاسته از دیدگاهی ماکیاولیستی است. بیشتر مصلحت اندیش است و تنها منافع خود، حزب و گروه و کشور خود را در نظر می گیرد و حاضر نیست هیچ هزینه ای برای آرمان ها و منابع سایر مسلمانان جهان بپردازد. در اسلام الگوی ترکیه، نشستن و رو در رو شدن با رئیس اسراییل و حتی مذاکره با او بخشی از دیپلماسی است، چراکه در نگاه بنیانگذاران حزب عدالت و توسعه واقع گرایی جای آرمان خواهی را می گیرد.

به طور کلی اگر بخواهیم ویژگی ها و شاخصه های مدل ترکیه را خلاصه کنیم، این مدل ۵ ویژگی را مد نظر قرار داده است:

- جدایی دین از سیاست یا رابطه حداقلی میان اسلام و سیاست
- پذیرش الزامات نظام لیبرال - دموکراسی و تمکین در برابر آن (به گونه ای که اسلام باید خود را با این قواعد هماهنگ کند)
- عدم برخورد انقلابی با ظلم و بی عدالتی در جهان
- حرکت در مسیر اقتصاد بازار آزاد
- نگاه ملی گرایانه در قالب فدرالیسم ترکی و شعار ترک دنیاسی (جهان ترکی)

### غرب و الگوی اسلامی ترکیه

ترکیه در پی نقش آفرینی در تحولات جهان عرب موسوم به بهار عربی بر پایه الگوی دولت عدالت و توسعه است. اردوغان اسلام گرا در ترکیه کمالیست بر الگوی دولت خود به عنوان نمونه ای از دولت اسلامی سازگار با مدرنیسم و غرب تأکید می کند. حکومت اردوغان این الگو را مدلی برای اسلام گرایان کشورهای اسلامی که دچار تحولات اخیر جهان عرب شده اند ارائه می دهد. ترکیه دارای جایگاه ویژه در میان کشورهای اسلامی است که ناشی از به ارث بردن میراث امپراتوری عثمانی به عنوان حافظ جهان اسلام و به ویژه جهان اهل تسنن می باشد. امپراتوری عثمانی قرن ها نماد خلافت

اصل اساسی در جمهوری اسلامی ایران که منبعث از انقلاب اسلامی می باشد، حاکمیت الهی است. این اصل، زیربنای تشکیل حکومت اسلامی است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران نظامی است که بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او بنا شده است. پس در این نظام، قدرت و حاکمیت در «الله» خلاصه شده است

اسلامی به ویژه در میان اهل سنت بوده است و هنگامی که حکومت رجب طیب اردوغان بر میراث اسلامی ترکیه تأکید می کند در اذهان اهل سنت خلافت اسلامی تداعی می گردد. اگرچه برخی اعراب نه تنها به حکومت عثمانی علاقه ای ندارند، بلکه تنفر شدیدی نیز بروز می دهند. با توجه به همین علایق، ترکیه، الگوی دولت اسلامی عدالت و توسعه اردوغان را دارای ظرفیت الگوبرداری توسط اسلام گرایان کشورهای عربی می داند. علاوه بر این، غرب

به ویژه امریکا نیز ارائه مدل ترکیه را که بر تعامل با غرب و بر صلح و رفاه تأکید دارد، نسبت به الگوی حکومت اسلامی ایران، که بر تقابل با تجددگرایی و غرب تأکید دارد، ارجح می داند و الگوی ترکیه را سازگارتر و بی خطرتر نسبت به منافع خود می داند. لذا در شرایط کنونی، به نظر می رسد در غرب و به ویژه امریکا، به قدرت رسیدن دولت هایی با پیشینه اسلام گرایی - که مدل ترکیه را انتخاب کرده اند - به چند دلیل مورد استقبال قرار گرفته است:

۱. الگوسازی برای فرآیند دولت سازی پس از دوران گذار در مقابل الگوی حکومت دینی - مردمی: از آنجا که حکومت لیبرال دموکراسی امریکایی و غربی، الهام بخشی خود را برای مردم خاورمیانه و کشورهای عربی از دست داده است، امریکایی کوشد ترکیه را به عنوان الگوی یک کشور مسلمان دموکراتیک و سکولار که متحد استراتژیک اسرائیل، امریکا و غرب است، به ملت های منطقه معرفی کند و از این طریق در آینده نزدیک بر فرآیند دولت سازی در این کشور اثر بگذارد.<sup>۱</sup> به طور کلی غربی ها سعی می کنند جریان های اخیر را به سمت مدل های لیبرال دموکراسی غربی هدایت کنند تا از ورود الگوی حکومت دینی انقلاب اسلامی ایران به اندیشه انقلابیون جلوگیری کنند.

۲. تمایل غرب به روی کار آمدن دولت های باثبات در منطقه که دارای مقبولیت نسبی مردمی باشند و بدین ترتیب، پر کردن خلأ و فاصله موجود میان مردم مسلمان این کشورها و دولت آن ها، به منظور تأمین منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غرب.

1. Byman, Daniel, Israel, s pessimistic view of the Arab spring Washington, Qualterlysy mmer2011, p139



۳. از آنجا که بی‌ثباتی و ناآرامی‌های سیاسی، روند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری جامعه را طولانی و دشوار می‌کند، برای دولت‌های غربی و امریکا، که از منافع خاصی در خاورمیانه برخوردارند، برقراری ثبات سیاسی در این کشورها، به منظور تصمیم‌گیری منسجم‌تر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴. الگو قرار گرفتن نظام حکومتی ترکیه به مثابه یک کشور مسلمان و در عین حال لائیک، در سطح منطقه، می‌تواند از شدت اثرگذاری الگوی اسلام سیاسی مد نظر ایران بکاهد.

۵. در گذشته، ایجاد حکومت‌های لائیک در جهان و برخورد مستقیم به منظور استحاله اسلام هدف امریکا و غرب بود، اما ناکارآمدی حکومت‌های ضددینی و غرب‌گرا و به‌ویژه تشدید بحران‌های مشروعیت و نبود دموکراسی‌های حداقلی در این نظام‌ها، امریکا و غرب را به سوی این نظریه هدایت کرد که با ایجاد و حمایت از شبکه‌ای از مسلمانان لیبرال و میانه‌رو، اهداف خود را به گونه‌ای دیگر دنبال کند. در این پازل، دولتمردان حزب عدالت و توسعه، به عنوان مسلمانانی میانه‌رو و غیرانقلابی (عمل‌گرا)، می‌توانند اولین حلقه از شبکه مد نظر در جهان اسلام باشند.

### ضعف‌ها، چالش‌ها و موانع فراروی مدل اسلامی ترکیه

ترکیه اردوغان گمان می‌کرد که می‌تواند با ایفای نقش «پل بین‌المللی» بین اسلام و غرب هم حمایت مسلمانان و هم حمایت غرب را بدست آورده و به قدرت اول در جهان اسلام و منطقه تبدیل شود. از این رو ترکیه در دوره اردوغان در تحولات مختلف بین‌المللی پا به پای غرب پیش رفت و تغییری در نگاه سنتی ترک‌ها مبنی بر پیوستن به اتحادیه اروپا نداد و در همان حال با طرح شعار «بدون مشکل با کشورهای دیگر» رفع اختلافات ترکیه با کشورهای همسایه را دنبال می‌کرد.

اما اگر نگاهی به وضع فعلی ترکیه بیندازیم در می‌یابیم که هیچکدام از این دو به جایی نرسیدند. از یک سو ترکیه هنوز به عضویت اتحادیه اروپا در نیامده و از سوی دیگر اختلافات آن با همسایگانش نه تنها حل نشده بلکه شدت یافته و بعضاً به سمت بحران پیش رفته است.

روابط با سوریه و عراق - تنها دو کشور عرب همسایه ترکیه - که تا پیش از این عادی بوده و ترکیه مهم‌ترین طرف تجاری این دو کشور بوده است، امروز در وضعیت جنگی قرار دارد، حمایت دولت اردوغان از معارضان مسلح سوریه و حمایت از تروریست‌های





عراق، بحران را بر مرزهای جنوبی ترکیه مستولی کرده است و این در حالی است که روابط ترکیه و ایران هم طی دو سال اخیر رو به نزول و سایش گذاشته است. کما اینکه هیچ بهبودی در روابط غیردوستانه میان ترکیه با یونان، قبرس، ارمنستان و... به وجود نیامده است. از طرف دیگر تحولات سوریه اثر زیادی بر حزب عدالت و توسعه و «ترکیه اردوغان» بر جای گذاشت. اردوغان در سر دوراهی ادامه رابطه حسنه سیاسی و اقتصادی با «سوریه اسد» و یا همراه شدن با طرح غربی عربی علیه دمشق، بعد از یکی - دو ماه تأمل، دومی را انتخاب کرد و شهرهای جنوبی خود که به دلیل علوی بودن از حساسیت بالایی برخوردار بودند را در معرض جنگ و درگیری قرار داد.

اردوغان گمان می کرد که موج عربی، سوریه را هم در بر گرفته و حکومت اسد فرو می پاشد اما به رغم این تصور، دو سال پس از جنگیدن با سوریه، هنوز نشانه‌ای از فروپاشی دولت دمشق به چشم نمی خورد و این در حالی است که از امید متحدین غربی عربی ترکیه کاسته شده و بعضی از آنان صحنه را ترک گفته و بر توافق سیاسی بین اسد و مخالفان او تأکید می نمایند.

در این میان ترکیه اردوغان که به تعبیر مؤسسه امریکایی هودسون قرار بود «مدلی ارزشمند برای آیندگان» و به تعبیر داود اوغلو وزیر خارجه ترکیه، «پل ارتباطی غرب و جهان اسلام» باشد به راه اندازی و تجهیز «جبهه النصره» در سوریه مبادرت کرده و در واقع به حکومت حامی القاعده تبدیل شده است. همین مؤسسه هودسون سال گذشته ادعان کرد:

حیات جنبش اسلامی و به طور کلی احیای انگیزه‌های دینی اسلام که حدود چهل سال است بر منطقه وسیعی از جهان سیطره پیدا کرده تا آینده‌ای نزدیک همچنان ادامه خواهد داشت و افق روندهای ساده و دموکراتیک سکولار در جهان اسلام چندان روشن نیست و نمی توان بر آن اتکا ورزید.<sup>۱</sup>

علاوه بر این موارد، تشکر ویژه «ایمن الظواهری» از مواضع اردوغان و اعلام رسمی پیوستگی جبهه النصره تحت حمایت اردوغان به القاعده نیز نشان می دهد که ترکیه از ایفای نقش «اجماع ساز»، «پل گونه» و «مدل» دور شده و این مدل در حال رنگ باختن است. البته این به خوبی بیانگر آن است که قدرت خیزش اسلام گرایانه متأثر از انقلاب

۱. سعدالله زارعی، «موقعیت ایران و ترکیه در تحولات منطقه»، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱/۲۴، شماره ۱۳۹۲۰۱۲۴۰۰۰۰۳۲



اسلام لیبرال مسدک مورد نظر دولت مردان اسلام گرای ترکیه، اسلامی سازش کار و منفعت طلب است که اهل مبارزه با استکبار و قدرت های زورگو نیست؛ گرچه شاید علمی الظاهر با برخی از اقدامات دولت مردان دول زورگو و مستکبر غرب و صهیونیست هم هر از گاه مخالف باشد، اما این مخالفت ها بیشتر یک ژست سیاسی برای بهره برداری های سیاسی دولتمردان ترک در جهان اسلام و نوعی عوام فریبی است

اسلامی ایران جا را بر «بدیل ها» و «بديل ها» تنگ کرده است.

علاوه بر این، ضعف های عمده دیگری بر روی مدل ترکیه مطرح می شود، که عبارت اند از: اول اینکه تجربه تاریخی و تفاوت های ماهوی جدی میان شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی ترکیه و کشورهای عربی وجود دارد؛ به طوری که هر یک از کشورهای جهان عرب که تجربه انقلاب را در خلال یک سال گذشته پشت سر گذاشته اند، دارای تاریخ و زمینه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی بوده است. چنانچه این کشورها در راستای گذار به دموکراسی گام

بردارند، تأثیر این تفاوت ها به عنوان عوامل درازمدت و فاکتورهایی چون نقش احزاب و نخبگان سیاسی فعال امروز در صحنه سیاسی هر یک از این کشورها، در نحوه و چگونگی فرآیند گذار آنها تعیین کننده خواهد بود. بحث گذار به دموکراسی، ادبیات وسیعی را در جامعه شناسی سیاسی امروز به خود اختصاص داده است. همیشه فرآیند گذار در هر یک از کشورها، تحت تأثیر فاکتورهای متعددی بوده و هست. نقش نظامیان در تحولات اخیر، به ویژه مصر و مسئله اسلام گرایی باعث شده است که بعضی از صاحب نظران عرب و غرب، مدل ترکیه را الگویی مناسب برای اعراب در نظر گیرند. اما باید در نظر داشت، تجربه ترکیه با وجود چالش های عمده ای که در فرآیند گذار و نهادینه شدن دموکراسی با آن روبه رو است، یک تجربه خاص است که ریشه در تحولات تاریخی و زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور دارد. تجربه تاریخی خاص ترکیه بعد از ۱۹۲۳، نقش نظامیان در سیاست و حفاظت سفت و سخت آنها از قانون اساسی و سیستم سیاسی سکولار آن، تجربه دموکراتیزاسیون و گذار به سیاست چندحزبی از ۱۹۴۶ به بعد، وجود آزادی های دموکراتیک و مشارکت اسلام گرایان در سیاست، اقتصاد و بازار غیرنفی آن و بحث عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا که با فشارهای این اتحادیه جهت تعمیق فرآیند دموکراتیزاسیون مواجه بوده است و... در زمره ویژگی هایی قرار می گیرند که ترکیه را متمایز از تجربه هر یک از کشورهای عربی می کند. لذا وجوه مثبت و منفی مدل ترکیه می تواند مورد توجه نخبگان سیاسی این



کشورها، در فرآیند گذار به دموکراسی قرار گیرد، اما تکرار این مدل در کشورهای عربی در یک فرآیند کوتاه مدت امکان پذیر نخواهد بود. از طرف دیگر، ترکیه خود در دهه‌های اخیر، از یک سیستم سیاسی اقتدارگرا به سوی دموکراسی گذار کرده است؛ این گذار با چالش‌های جدی مواجه بوده و هنوز هم هست و موانع متعددی در راستای نهادینه شدن آن وجود دارد، که به طور خلاصه می‌توان به آن‌ها اشاره کرد. از جمله موانع حقوقی پیش روی این فرآیند، قانون اساسی ۱۹۸۲ نظامیان است. این قانون همواره از سوی احزاب سیاسی، بعد از بازگشت به سیستم چند حزبی سیاست در ۱۹۸۳ مورد انتقاد بوده است و از سوی پارلمان در سال‌های ۱۹۸۷، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵، ۱۹۹۹ (دو بار)، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲ و ۲۰۱۰ اصلاح شده است.<sup>۱</sup> هر چند که این اصلاحات برای مقابله با آثار حکومت نظامیان در سیستم قانونی ترکیه کافی نبوده است، اما گام مهمی هم در جهت حذف یا تعدیل بندهای غیردموکراتیک و لیبرال آن بوده است. محدودیت‌های مختلف این قانون از لحاظ دموکراتیک، با وجود اصلاحات متعدد آن باعث شده است که حزب عدالت و توسعه بعد از پیروزی در انتخابات اخیر، در پی ارایه یک پیش‌نویس قانون اساسی جدید باشد، که پاسخگوی حقوق و آزادی‌های شهروندان در ابعاد مختلف است. هژمونی ایدئولوژی کمالیسم نیز در نهادهای دولتی و افکار عمومی ترکیه تبدیل به معضلی جدی برای فرآیند دموکراتیزاسیون در این کشور شده است. برخی اصول بنیادین این ایدئولوژی از قبیل درک افراطی از سکولاریسم (سکولاریسم نظامی) و ناسیونالیسم افراطی ترکی که در قانون اساسی ۱۹۸۲ به شکلی آشکار نهادینه شده است، در زمره چالش‌های دیگر فرآیند نهادینه شدن دموکراسی قرار دارند. هر چند که تا حدودی، کمالیسم با ظهور نئوعثمانیسم حزب عدالت و توسعه به چالش کشیده شده است اما نهادینه شدن این ایدئولوژی دولتی در ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی ترک‌ها، نئوعثمانیست‌ها را وادار به پذیرش برخی اصول بنیادی کمالیسم کرده است و نئوعثمانیسم خود نیز حامل آن‌ها می‌باشد (از جمله ناسیونالیسم ترکی). لذا فاصله معناداری میان خواسته‌های مردم خاورمیانه و قانون اساسی ترکیه وجود دارد.

مداخله مستقیم و غیرمستقیم نظامیان در سیاست ترکیه، یکی دیگر از چالش‌های گذشته و امروزین فرآیند دموکراسی بوده و هست. نفوذ آن‌ها در نهادهای مختلف دولتی، علاوه بر نهادهای نظامی، قدرت آن‌ها را در سیاست دوچندان کرده است. حزب حاکم اسلام‌گرا نیز، در یک دهه اخیر با چالش‌های زیادی از سوی نظامیان مواجه بوده است.

۱. شاپور (برهان) سلیمی، «مدل سیاسی ترکیه و بهار عرب»، اعتماد، ش ۲۲۹۹، ۹۰/۸/۹، ص ۱۴.



نفس همین قدرت و مداخلات نظامیان، یکی از شاخص‌های توسعه‌نیافتگی سیاسی در یک جامعه است. عده‌ای معتقدند ورود ترکیه به جهان عرب از منظر نوعی نوع‌ثمانی‌گری باید تحلیل شود که این پیشینه چندان مثبت نیست و باید در راستای امیال و مطامع بلندمدت و استعمارگرایانه ترکیه تلقی کرد. لذا به لحاظ تاریخی، گرچه این روزها شاهد هم‌نوایی میان رهبران حزب عدالت و توسعه و برخی سیاست‌مداران تازه‌نفس در لیبی، تونس و مصر به نفع الگوی اسلام سکولار ترکیه هستیم اما اختلاف‌های تاریخی میان اعراب با ترک‌ها امری جدی است. افکار عمومی ترکیه، ملی‌گرایان عرب را در ابتدای قرن بیستم میلادی عامل اصلی فروپاشی امپراتوری عثمانی می‌دانند. از سوی دیگر، بسیاری از اعراب، تکرار سلطه ۴۰۰ ساله امپراتوری عثمانی بر خود را به عنوان برادر بزرگ‌تر، حتی با الزامات قرن ۲۱، بر نمی‌تابند.

دوم، شکاف زبانی یعنی بحث ترک و عرب است. حساسیت‌هایی امروز نسبت به مدل ترکیه در جهان عرب به خصوص در میان کشورهای مثل عربستان وجود دارد که بر این شکاف خیلی تأکید دارند.

سومین ضعف مدل ترکیه چالشی است که در تجربه فقدان تساهل قومی وجود دارد؛ مشکلاتی که ترکیه با آرامنه و کردهای خود دارد نمونه آن‌هاست؛ مؤلفه‌ای که به عنوان ضعف از ناحیه روشنفکری مطرح می‌شود. در واقع مسئله اقلیت‌های مذهبی (علوی‌ها) و قومی به‌ویژه مسئله کردها نیز، پرسش‌هایی جدی را در برابر دموکراسی این کشور، مابین ناظران سیاسی مطرح کرده است. ترکیه از نظر ساختار قومی و مذهبی متکثر و متنوع است. اقلیت‌های مهمی در این کشور زندگی می‌کنند که در فرآیند سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. علویان و کردها از مهم‌ترین اقلیت‌های مذهبی و قومی در ترکیه هستند که بی‌توجهی به مطالبات آن‌ها می‌تواند سیاست‌های دولت را به چالش بکشد. ترکیه طی سال‌های اخیر گام‌های بلندی برای حل مسئله کردها برداشته است. اما پارادوکسی که ترکیه با آن مواجه است ناشی از تناقض میان ساختار سیاسی و قانون اساسی این کشور و اراده دولت ترکیه برای پایان بحران است. به رغم آنکه کردهای ترکیه نقش مهمی در تأسیس و استقلال جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ داشتند، اما هیچ‌گاه به حقوق قانونی خود دست نیافتند. بسیاری از کردهای ترکیه بر این باورند که قانون اساسی ترکیه هیچ‌گاه آن‌ها را به عنوان شهروند درجه یک در نظر نگرفته و کردهای ترکیه از حقوق دموکراتیک و شهروندی در این کشور برخوردار نیستند. این نگرش در بین کردها همواره مانع بزرگی در تعامل میان

غرب به ویژه امریکا نیز ارائه مدل ترکیه را که بر تعامل با غرب و بر صلح و رفاه تأکید دارد، نسبت به الگوی حکومت اسلامی ایران، که بر تقابل با تجددگرایی و غرب تأکید دارد، ارجح می‌داند و الگوی ترکیه را سازگارتر و بی‌خطرتر نسبت به منافع خود می‌داند

کردها و دولت ترکیه ایجاد کرده و عاملی بوده که نهایتاً بخشی از کردهای ترکیه را در سال ۱۹۸۴ به سمت مبارزه مسلحانه در قالب حزب کارگران کردستان ترکیه برای دستیابی به حقوق‌شان سوق داد. از آن تاریخ تاکنون هزینه‌های سنگینی بر مردم کرد و ترک این کشور تحمیل شده و دو طرف در دست یافتن به راه حلی مسالمت‌آمیز ناتوان بوده‌اند. امروزه دولت ترکیه و گروه‌های اپوزیسیون هر دو به درک مشترکی رسیده‌اند که تنها راه حل

بحران کردها، بهبود استانداردهای دموکراتیک و قانون اساسی مترقی در ترکیه است که در آن حقوق همه گروه‌ها و اقلیت‌های قومی، مذهبی و سیاسی را به رسمیت شناخته و امکان مشارکت دموکراتیک در قدرت را برای شهروندان ترکیه فراهم کند. تقاضای عبدالله اوچالان از حزب کارگران کردستان ترکیه برای کنار گذاشتن مشی مسلحانه و ترک خاک ترکیه در این راستا قابل ارزیابی است؛<sup>۱</sup> لذا ترکیه‌ای که تا همین اواخر، در زمره غیرمتساهل ترین کشورها نسبت به تکثر قومی قرار داشته و به نظر می‌رسد قرار دارد و بدین جهت نیز، همواره از سوی اتحادیه اروپا و محافل حقوق بشر جهانی مورد انتقاد جدی قرار گرفته است، نمی‌تواند به عنوان الگویی موفق برای سایر کشورها مطرح شود. در نتیجه ترکیه خود در فرآیند گذار و تعمیق دموکراسی با چالش‌های جدی مواجه بوده و هست. با آگاهی از چنین چالش‌هایی است که برخی صاحب‌نظران مسائل ترکیه در منطقه و غرب، به مخالفت با بحث مدل ترکیه برای جهان عرب پرداخته‌اند.

چهارمین ضعف، بحث فقدان آزادی بیان و مطبوعات در ترکیه است. عده‌ای بر این اعتقادند که هر چند از ترکیه به عنوان مدل مطلوب دموکراتیک یاد می‌شود، اما واقعیت آن است که ترکیه، زندان بزرگی از نظر آزادی بیان و مطبوعات است. آزادی رسانه‌ها و بیان عقاید در ترکیه وضع نابسامانی دارد و این موضوع به چند هفته ناآرامی اخیر این کشور مربوط نمی‌شود. بر اساس گزارش تازه‌ای که «سازمان امنیت و همکاری اروپا» تهیه کرده است در حال حاضر ۵۷ روزنامه‌نگار در ترکیه در زندان به سر می‌برند و بر این اساس کشور ترکیه بالاترین رقم روزنامه‌نگاران زندانی در جهان را دارد.

۱. محمد بهرامی، «ترکیه و کردها از آرمانگرایی تا عمل‌گرایی»، ۱۳۹۲/۲/۱۶، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC.



کشوری که حزب مدعی اسلام‌گرایی آن، پیوستن به بلوک اتحادیه اروپا را هدف اول خود قرار داده است، به عنوان اولین کشور اسلامی، اسرائیل را در سال ۱۹۴۹ به رسمیت شناخته است، عضو بلوک نظامی و امنیتی ناتو است، در جنگ کره به نفع غرب مشارکت داشته، پذیرای محل استقرار سپر موشکی علیه یک کشور مسلمان است و... چگونه می‌تواند صلاحیت رهبری جهان اسلام و الگو شدن برای کشورهای عربی منطقه را داشته باشد؟!

مطبوعات ترکیه اعلام کرده‌اند که حدود ۶۰ خبرنگار در زندان بسر می‌برند و حدود ۴ هزار روزنامه‌نگار نیز تحت پیگرد قانونی قرار دارند. وب‌سایت «فری میدیا» در این خصوص نوشت بر اساس گزارش‌های نهادهای مدافع آزادی مطبوعات در ماه دسامبر سال گذشته کشور چین در صدر این فهرست قرار داشت؛ اما در چند ماهه اخیر دولت ترکیه که از نامزدان پیوستن به اتحادیه اروپاست، تقریباً دو برابر آن تعداد روزنامه‌نگار زندانی دارد. این مسئله باعث انتقاد و نگرانی‌های شدیدی در مورد تعهد

دولت این کشور به آزادی مطبوعات و مشروعیت وجه دموکراتیک ترکیه شده است. رقم ۵۷ نفر که در گزارش «سازمان امنیت و همکاری اروپا» قید شده با ارزیابی‌های یک نهاد ملی و بین‌المللی به نام «تریبون دفاع از آزادی روزنامه‌نگاران» همخوانی دارد. این نهاد در برگیرنده بسیاری از انجمن‌های دفاع از آزادی مطبوعات از جمله «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ترکیه» است.<sup>۱</sup> بنابراین این مدل چیزی نیست که جوانان روشنفکر و پیش‌قراولان انقلاب عربی بتوانند در آن جست‌وجو کنند. بنابراین مدل ترکیه امروز با وجود اقبالی که توانسته در کشورهای عربی کسب کند، مشکلات و موانع خاص خود را دارد که قطعاً اگر مورد استفاده و اجرا قرار گیرد، مشکلات و موانع آن در عرصه اجرایی بروز و ظهور خواهد کرد و چه بسا در آینده در قالب منازعات منطقه‌ای شاهد آن باشیم.

### نتیجه‌گیری

وقوع انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ در شرایطی بود که نظام شاهنشاهی آن به استکبار جهانی اتکا داشت. اساساً انقلاب اسلامی در تعارض با نظام بین‌الملل، ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که ضمن تضاد با منافع قدرت‌های جهانی حامی حفظ وضع

۱. «ترکیه بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران» ۱۳۹۰/۱/۲۰.



موجود، موجب بروز چالش در نظام بین‌الملل شد. ایران اسلامی با طرح این ارزش‌ها در سیاست خارجی خود، تلاش کرد تا افکار عمومی ملل محروم جهان را جهت تغییر در نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های مطرح‌شده را تبدیل به هنجار سازد.<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی ایران و گفتمان عدالت‌خواهانه، سلطه‌ستیزانه و استکبارستیزانه آن، نظم لیبرال موجود بین‌المللی را برنتابیده و در ابعاد فرائظی، ساختاری، هنجاری و نهادی، آن را به چالش کشیده است. در سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران که می‌توان آن را به صورت گفتمان تجلی‌یافته در نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف کرد، به لحاظ داشتن ویژگی‌های خاص غیرمادی در قالب یک انقلاب فرهنگی، اصول و ارزش‌هایی متفاوت از هنجارها و مرسومات رایج که در نظم لیبرال تعیین یافته، به نمایش گذارده است. انقلاب اسلامی توانست ضمن تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، کنش متقابل میان دو حوزه دین و سیاست را آشکار سازد و نوعی نظام سیاسی را رقم زند. این نظام، هم بر ویژگی‌های معنوی و سیاسی حاکم استوار بود و هم بر پیوند میان ارزش‌های اسلامی با ساختار یا روش مردم‌سالاری تکیه داشت. چنین شیوه حکومتی، هم بر شیوه جمهوری بودن حکومت و نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومتی تأکید می‌کرد و هم الگوی اسلام‌گرایی و ارزش‌های پایدار اسلامی (عدالت‌گرایی، خدامحوری و معنویت‌گرایی) را اساس نظام سیاسی می‌دانست.

چنین نظام سیاسی، همزمان به نفی اسلام متحجر و قشری‌گرا و از سویی به نفی سکولاریسم و لائیسیته پرداخت و توانست نظامی را به ارمغان آورد که مشروعیت آن بر پایه حاکمیت خدا و حقانیت ارزش‌های دینی است و مقبولیت آن نیز بر اساس اراده مردمی. در حقیقت جمهوری اسلامی ایران، خود به عنوان یک مدل موفق در کنار ملت‌های منطقه، بخشی از جبهه جهانی بیداری اسلامی محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با عنایت به مجموعه نقاط قوت و برتری‌های خود در این عرصه نقش ویژه‌ای دارد. این نقاط قوت عبارت‌اند از: موقعیت ژئوپلتیک، کثرت جمعیت، وسعت و منابع طبیعی در کنار عوامل غیرمادی همچون تجربه موفق مردم‌سالاری اسلامی، رهبری هوشمندانه، برخوردار از امتی با بصیرت، دین‌دار، هوشیار، آگاه و در صحنه، دارای فرهنگ غنی و تاریخی پر بار که همواره از بدو تأسیس نظام اسلامی هدفی جز عزت و اقتدار مسلمین و وحدت امت اسلام نداشته است. دیگر مؤلفه‌های توانایی‌های نظام عبارت‌اند از: برخوردار از توان غلبه بر تهدیدات داخلی و خارجی، اعتماد متقابل مردم

۱. محمد ستوده، علوم سیاسی، ش ۱۶، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۶۴.

و نظام، ثبات سیاسی، اعتبار بین‌المللی، پیشرفت‌های علمی و فنی از جمله در علوم پزشکی، سلول‌های بنیادی، فناوری‌های نانو، فضایی، هسته‌ای و دفاعی و غیره. اساساً دفاع از حقوق ملت‌ها و همراهی با ملت‌های مسلمان و مظلوم و مخالفت با زورگویان و دیکتاتورها همواره بخش مهمی از اهداف اولیه انقلاب اسلامی ایران بوده است. در این بین، ترکیه نیز به دنبال قطب شدن و الگو بودن در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه است. مهم‌ترین فرصت پیش روی ترکیه را باید مطرح شدن جدی الگوی دموکراسی ترکیه در سطح منطقه خاورمیانه دانست؛ اما در تحلیلی کلان می‌توان گفت که ترکیه قادر به ایفای رهبری جهان اسلام و الگوشدن برای کشورهای عربی منطقه نیست؛ چرا که تمام هدف ترکیه، از اواخر امپراتوری عثمانی به این سو، اروپایی شدن بوده است. به طور مثال، حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در برنامه انتخاباتی خود می‌گوید:

از آنجا که ترکیه باید هدف اولیه در سیاست خارجی خود را پیوستن به اتحادیه اروپا و انجام معیارهای لازم در این خصوص قرار دهد، لذا باید از هر گونه رفتاری که در این راه خللی ایجاد نماید پرهیز کند.

علت حمایت اتحادیه اروپا از الگوی اسلام سکولار رهبران آنکارا را باید در این جمله یکی از سایت‌های غربی جست‌وجو کرد. از منظر اتحادیه اروپا، از یک سو، ترکیه تنها مردم‌سالاری غیرمذهبی و سکولار در دنیای اسلام محسوب می‌شود و از سوی دیگر، این کشور همواره به دنبال توسعه روابط خود با کشورهای اروپایی بوده است. این نگرش، با توجه به آنکه فرهنگ این کشور اثرات عمیقی بر روی ملل شرقی و اروپای جنوبی داشته، جالب توجه است. حال باید پرسید کشوری که حزب مدعی اسلام‌گرایی آن، پیوستن به بلوک اتحادیه اروپا را هدف اول خود قرار داده است، برای اروپایی شدن بیشتر قوانین خود را مطابق میل غرب تغییر داده است، به عنوان اولین کشور اسلامی، اسرائیل را در سال ۱۹۴۹ به رسمیت شناخته است، کشوری که عضو بلوک نظامی و امنیتی ناتو است، در جنگ کره به نفع غرب مشارکت داشته، پذیرای محل استقرار سپر موشکی علیه یک کشور مسلمان است، به دلال و هم‌پیمان غرب در منطقه بدل شده است و در نهایت به رغم کشتار شهروندانش از سوی اسرائیل بهترین روابط اقتصادی را با این رژیم دارد، چگونه می‌تواند صلاحیت رهبری جهان اسلام و الگو شدن برای کشورهای عربی منطقه را داشته باشد؟ به نظر می‌رسد که روشنگری در مورد این موارد، افشاگر ماهیت نامتوازن الگوی ترکیه برای مردم مسلمان منطقه است. همچنین، اشتباهات راهبردی آنکارا در سوریه و بحرین، مشکلات داخلی ترکیه، نزدیکی آنکارا به جریان‌های سلفی



در بحران سوریه، حرکت پارادوکسیکال سیاستمداران حزب عدالت و توسعه و از همه مهم‌تر حمایت آشکار محافل غربی از مدل ترکیه در آینده به پاشنه آشیل این کشور در برابر مدل مطلوب ایران تبدیل خواهد شد. در تحلیلی جامع، می‌توان مدل ترکیه را الگوی اسلام لیبرال یا به فرموده امام خمینی (ره) همان اسلام امریکایی تفسیر کرد. این الگو، پس از ناکامی مدل سلفی اسلام امریکایی در قالب جهان‌بینی غیرانقلابی، وحدت و کیان جهان اسلام را در خطر قرار داده است. این مدل محصول اتاق فکر بنیادهایی چون رند است که در قالب ایجاد شبکه‌ای از مسلمانان میانه‌رو از سال ۲۰۰۶ در ادامه طرح خاورمیانه بزرگ مدنظر قرار گرفته است. واقعیت این است که پس از موج جدید بیداری اسلامی در جهان عرب، غربی‌ها و صهیونیست‌ها به شدت به ترویج و تبلیغ الگوی اسلام ترکیه به جای الگوی مدل اسلام جمهوری اسلامی در کشورهای انقلابی در جهان عرب پرداختند. اگرچه نتایج انتخابات در این کشورها نشان داد که مردم این کشورها به الگوی اسلامی جمهوری اسلامی که استکبارستیز و ضد وابستگی است، رغبت و توجه بیشتری نشان می‌دهند.

